

تحولات بافتی تهران در دوره قاجار

تغییرات ایجادشده در نحوه قرارگیری خانه‌ها نسبت به معابر شهری

مینا رمضان‌جماعت^{۱*}، زینب اکبری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۲۹)

چکیده

آنچه بیش از همه دوره قاجار را از دیگر دوره‌ها متمایز می‌کند، شروع شهرسازی جدید و ایجاد معابر تازه‌ساختی است که جزئی از بافت شهر به‌شمار می‌آید و تهران را هرچه بیشتر به سمت اروپایی شدن سوق می‌دهد. چیزی که در این میان اهمیت دارد، چگونگی تحول بافتی تهران و دیگر تغییرات فضایی و ساختاری است که همگام با آن یا در پی آن رخ می‌نماید؛ یکی از مهم‌ترین این تغییرات، دگرگونی‌هایی است که در شاخصه‌های کالبدی بناهای مسکونی و نوع ارتباط آن‌ها با معابر شهری به چشم می‌خورد. شناخت این سیر دگرگونی درگروشناسایی ویژگی‌های بافتی تهران و ساختار خانه‌ها- از ابتدای دوره قاجار تا پایان آن- و تحلیل تفاوت‌های موجود است. این بخش اهداف اصلی مقاله حاضر را دربرمی‌گیرد و بیشتر دستاورد تحقیقات میدانی است که از دیدگاهی توصیفی و مقایسه‌ای بیان شده است. براساس این، دوران قاجار را می‌توان مبدأ دگرگونی‌های بنیادین

* Mina.Jamaat@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد باستان‌شناسی

۲. کارشناس ارشد باستان‌شناسی

در شیوه‌های شهرسازی، فضاسازی و خانه‌سازی دانست. در این دوره، بافت قدیمی شهر و سبک‌های سنتی ساخت‌وساز خانه‌ها رنگ می‌بازد و بافت جدید و خانه‌سازی نوین جای آن را می‌گیرد. با اینکه تمام این تحولات در یک دوره تاریخی روی می‌دهد، بسته به برهه خاص و ویژگی‌های درونی محله‌ها ممکن است متنوع و حتی متفاوت با هم باشد.

واژه‌های کلیدی: تحولات بافتی، تهران، خانه، قاجار، معابر شهری.

۱. مقدمه

در روند تاریخی شهرسازی تهران، دوران قاجار جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا نخستین دگرگونی‌های کالبدی شهر در این دوره پدید آمد و بافت تهران دگرگون شد. بافت شهری دربرگیرنده تمام فضاها و عناصر تشکیل‌دهنده ساختار شهر و به‌طور کلی، بیانگر ماهیت آن است که از عوامل گوناگونی مانند موقعیت جغرافیایی، شکل شهر، باورهای اجتماعی، نیازهای مردمی، تأثیرات فرهنگ غیرومی به‌ویژه فرهنگ غربی و عوامل دیگری از این دست تأثیر می‌پذیرد و ترکیب خود را متأثر از آن‌ها شکل می‌دهد. بافت شهری تهران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

به این ترتیب، در روند تغییر بافت سنتی تهران به بافتی نیمه‌غربی و سپس غربی و جایگزینی معابر جدید سبک اروپایی با معابر قدیمی، تحولاتی نیز در عرصه ساخت‌وساز شهری رخ می‌دهد. به این دلیل که معماری مسکونی یکی از بارزترین و فراوان‌ترین عناصر ساختاری شهر به‌شمار می‌آید و آن قسمت از خانه که بیش از سایر قسمت‌ها در ارتباط مستقیم با معابر قرار می‌گیرد فضای بیرونی خانه (مانند دیوارها و ورودی‌ها) است، تغییرات به‌وجودآمده در این بخش به‌تناسب تحولات بافتی تهران بیشتر مورد توجه بوده است. اما در این جستار به اجزای تشکیل‌دهنده ورودی خانه‌ها و دگرگونی‌های صورت‌گرفته در آن‌ها اشاره‌ای نشده؛ زیرا بحث مفصلی است که مجال دیگری می‌طلبد؛ در این پژوهش فقط از چگونگی قرارگیری کالبد خانه‌ها و ورودی‌هایشان در طول معابر سخن گفته شده است.

تاکنون، تحقیقات ارزنده‌ای با مضامین توسعه شهری، معماری خیابانی و فضاهای ورودی انجام شده است؛ ولی مقاله پیش‌رو با دیدگاهی متفاوت، به واریسی و تحلیل ساختار شهری تهران و فضاسازی خانه‌ها می‌پردازد و سیر دگرگونی آن‌ها را در دوره قاجار شناسایی می‌کند.

۲. روش تحقیق

این مقاله برپایه بررسی متون و تحقیقات گسترده میدانی نگاشته شده است. طی بررسی‌های میدانی انجام‌شده، خانه‌های قاجاری بسیاری واقع در محله‌های اصلی تهران قدیم یعنی عودلاجان، چال‌میدان، سنگلج، بازار، ارگ (دولت) و مناطق شمالی شهر شناسایی و مستندنگاری شد. مشخصات تعدادی از آن‌ها در جدول شماره یک آمده است.

۳. بررسی بافت شهر و موقعیت خانه‌ها بر مبنای توالی زمانی

۳-۱. تهران در دوره قبل از ناصرالدین‌شاه^۱

۳-۱-۱. شکل شهر و ساختار محله‌های آن

در اوایل پایتختی تهران، براساس نقشه برزین ۱۲۵۸ق (شکل ۱)، تهران شهری چندضلعی با حصار شاه‌طهماسبی^۲ و دیگر خصوصیات شاخص شهرهای قدیم ایرانی مانند خندق، برج‌ها، باروها، دروازه‌ها، ارگ سلطنتی، محله‌های مسکونی و محور بازار بود. پنج دروازه شهر عبارت بودند از: دروازه قزوین در غرب، دروازه دولاب در شرق، دروازه شاه‌عبدالعظیم در جنوب و دروازه شمیران و دروازه ارگ (اسدالدوله) در شمال (معمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۰). پنج محله اصلی و خلوت تهران هم شامل عودلاجان، چال‌میدان، بازار، سنگلج و ارگ می‌شد. این محله‌ها هرکدام خصوصیات اجتماعی خود را داشتند و از لحاظ فرهنگی، قومی و اقتصادی تاحدودی متفاوت با یکدیگر بودند؛^۳ اما طبقات اجتماعی مختلف جامعه (فقرا و اغنیا) در اکثر محله‌ها پراکنده شده بودند. همچنین، این محله‌ها

مرزهای مشخصی نداشتند و خیابان‌های تنگ و کوچه‌های پیچ‌درپیچ از محله‌ای تا محله دیگر ادامه می‌یافت (کاتب، ۱۳۸۴: ۹۹).



شکل ۱ تهران سال ۱۲۵۸ ق براساس نقشه برزین

(الف. ارگ، ب. بازار، پ. چال میدان، ت. عودلاجان، ث. سنگلج، د. دروازه‌ها)

(منبع: اسکرس، ۱۳۷۵: ۹۸)

عودلاجان که در شمال شرقی تهران قرار داشت، مرتفع‌ترین، پرآب‌ترین و سالم‌ترین محله به‌شمار می‌رفت (ر.ک: ذاکرزاده، ۱۳۷۳: ۳۶) و علاوه بر قوم‌ها و اقلیت‌های گوناگون، اکثر ساکنان آن را افراد ثروتمند و سرشناس تشکیل می‌دادند. این مطلب را نام‌گذاری تعدادی از محله‌های عودلاجان مانند محله‌سادات، مروی، عرب‌ها، یهودی‌ها، شاه‌غلامان، حیاط‌شاهی و سرتخت تأیید می‌کند. چال میدان در جنوب و جنوب شرقی قرار داشت و فقیرترین، غیربهداشتی‌ترین و قدیم‌ترین محله تهران بود؛ به این دلیل قدیمی بود که از زمان صفویان مسکونی بوده است و همچنین مردم تهران اغلب در آن

متمرکز بودند. بازار در جنوب قرار داشت و معروف‌ترین، پرجمعیت‌ترین و کم‌آب‌ترین محله‌ها بود (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۳). محله‌های تابع بازار نیز شامل چندین بخش می‌شد که قوم خلج‌ها در یک محله آن سکونت داشتند (معتمدی، ۱۳۸۱: ۱۶۰). سنگلج در غرب قرار داشت و یکی از بزرگ‌ترین، آبادترین و پرجمعیت‌ترین محله‌های تهران بود (نجمی، ۱۳۸۴: ۱۱) و برخی محله‌های تابع آن عبارت بودند از: قمی‌ها، ترکمان‌ها، باجمانلوها و ارامنه (نوربخش، ۱۳۸۱: ۸۲۹). ارگ نیز در شمال قرار داشت و کوچک‌ترین محله و حاکم‌نشین بود؛ زیرا به خانواده سلطنتی و درباریان و رجال اختصاص داشت (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۲).

۳-۱-۲. نوع بافت و چگونگی مؤلفه‌های اصلی شهری

در آن زمان، شهر دارای بافتی درونگرا، پیوسته و متراکم بود. در این بافت پیوسته، شبکه ارتباطات به دلیل شکل‌گیری طبیعی و تدریجی، همسویی با عوامل اقلیمی و جغرافیایی، مسائل امنیتی و دفاعی، حفظ حریمیت و غیره اغلب دارای شکل غیرهندسی و نامنظم و گاهی مارپیچ بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶). این پیچ و خم معابر با نقش بازدارنده خود می‌توانست ساکنان را تاحدی از تعرض و قتل و غارت مهاجمان و نیز از دید مستقیم عابران در امان نگه دارد (قریب، ۱۳۷۴: ۲۰۶). بدنه معابر، به‌ویژه دیوارهای متعلق به محله‌های مسکونی و کوچه‌باغ‌ها بسیار بلند و ساده و با مصالحی مانند خشت، کاهگل و به‌ندرت آجر ساخته می‌شد. این نوع فضاسازی نه‌تنها موجب شده بود تا معابر از نظر بصری، بسیار باریک و بلند به نظر برسند (همان، ۲۰۷)؛ بلکه به‌نوعی بیانگر وحدت و هماهنگی در رنگ و جنس سطوح و حاکی از تفاوتی فاحش بین داخل و خارج بود؛ تفاوتی که می‌توان آن را ناشی از اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن زمان دانست (ر.ک: میرزایی، ۱۳۸۵: ۱۹۴). اندازه عرض گذرها کم بود (بین ۲ تا ۴ متر) و در معابر فرعی - بن‌بست کمتر هم می‌شد و همین کمی عرض - به دلیل رفت‌وآمد انسان‌ها و یا چهارپایان - اجازه کاشت درخت را نمی‌داد (شکل ۲-۶).



شکل ۲ معبری باریک و طویل که در انتها شکلی ماریج و خانه‌هایی درونگرا در طول خود دارد (محلۀ ارگ/ دولت)
(منبع: نگارندگان)



شکل ۳ معبری کم‌عرض با دیوارهای بلند که قنط نوك درختان حیاط از معبر دیده می‌شود (محلۀ عودلاجان)



شکل ۴ معابری با بدنه ساده و خانه‌های طراحی نشده (محل‌های عودلاجان و چال میدان)

(منبع: نگارندگان)



شکل ۵ معابری با بدنه ساده و خانه‌های طراحی نشده (محل‌های عودلاجان و چال میدان)

(منبع: نگارندگان)

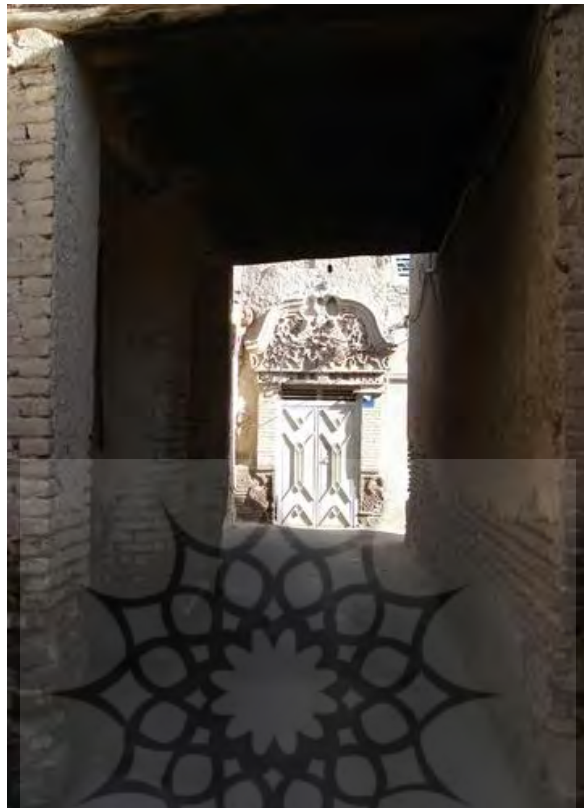


شکل ۶ معابری با بدنه ساده و خانه‌های طراحی نشده (محل‌های عودلاجان و چال میدان)

(منبع: نگارندگان)

کف معابر پوشیده از خاک بود که در تابستان‌ها بر اثر رفت‌وآمد بسیار مردم و چهارپایان، گرد و غبار زیادی ایجاد می‌کرد؛ به همین دلیل سطح بعضی از معابر مهم شهر در روز یکی دو نوبت آب‌پاشی می‌شد. در زمستان‌ها هم با ریزش برف و باران، معابر پوشیده از گل و لای و عبور و مرور دشوارتر می‌شد (قریب، ۱۳۷۴: ۲۰۷). میدان‌های مهم تهران در این زمان عبارت بودند از: سبزه‌میدان، ارگ، بهارستان، مشق، اعدام، سر قبراآقا، امین‌السلطان و غیره که هر یک کاربری‌های متفاوتی داشتند؛ مانند مکان اجتماع کاسبان و دست‌فروشان (معمدی، ۱۳۸۱: ۷۰)، انبار اسلحه و ذخایر توپخانه (دالماتی، ۱۳۷۸: ۳۵۶)، محل تجمع درویشان و معرکه‌گیرها (معمدی، ۱۳۸۱: ۲۴۰)، مکان بارانداز بارهای میوه و سبزی (نجمی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) و یا برای انجام مراسم خاصی مانند مراسم شترقربانی (همان، ۱۰۱)، اسب‌دوانی (سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۳۸)، اعدام (ذاکرزاده، ۱۳۷۳: ۴۳) و غیره به‌کار می‌رفتند.

در این دوره، تمام خیابان‌های شهر نیز به تأثیر از خیابان چهارباغ دوره صفوی و آمیختگی آن با مفهوم باغ، به‌صورتی هماهنگ با محیط سنتی ایران ساخته شده بود. این خیابان‌ها شامل راسته‌های اصلی (بازار)، گذرهای اصلی، گذرهای فرعی و بن‌بست‌ها بود و خود خیابان فقط عملکردی تفریحی و گردشگری داشت که متأثر از باغ‌های ایرانی و مسیرهای گردشگری داخل باغ‌ها بود (چرم‌ساز، ۱۳۷۴: ۵۹). راسته‌های اصلی و بازار شبکه اصلی دسترسی را تشکیل می‌داد که شامل مسجدها، مدرسه‌ها، حمام‌ها و میدان‌ها بود و بیشترین فعالیت‌های تجاری و اداری شهر در آنجا صورت می‌گرفت (قبادیان، ۱۳۸۳: ۱۰۲). راسته‌های فرعی یا گذرهای اصلی بخش‌های مختلف محله را به یکدیگر متصل می‌کرد و دیگر فعالیت‌های شهر را در قالب فضاهایی مانند حسینیه، قهوه‌خانه، سقاخانه، زورخانه و نیز انواع دکان‌ها را در شکل کلی بازارچه دربرمی‌گرفت. در محل اتصال بازارچه به بازار نیز چندین میدان به‌وجود می‌آمد که این میدان‌ها شکل هندسی نداشتند؛ بلکه فقط ورودی‌ها و تقاطع‌هایی بودند که به معابر فرعی راه داشتند و از آن‌ها اغلب برای تحویل و توزیع کالا به کاروان‌سراهای مختلف که در انتهای این میدان‌ها قرار داشت، استفاده می‌شد (کاتب، ۱۳۸۴: ۹۹). گذرهای فرعی شامل کوچه‌ها می‌شد که ارتباط‌دهنده واحدهای مسکونی واقع در راسته یک محله بود و بن‌بست‌ها را به گذرهای اصلی متصل می‌کرد (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۷۹). این کوچه‌ها که شکلی مستقیم، انحنادار و گاه مارپیچ داشتند، فضایی نیمه‌عمومی تلقی می‌شدند؛ درحالی که بن‌بست‌ها شکل خصوصی‌تری داشتند و حتی گاه با ساختن سقف روی بن‌بست^۴ یا باریک کردن عرض ورودی آن، محرمیتی خاص به‌وجود می‌آوردند (قریب، ۱۳۷۴: ۲۰۹)؛ به این ترتیب به سنت و درونگرایی موجود در ساختار شهر بیشتر دامن می‌زدند (شکل ۷).



شکل ۷ بن‌بستی کم‌عرض و مسقف (محل بازار)

(منبع: نگارندگان)

۳-۱-۳. موقعیت کالبدی خانه‌ها

در چنین بافتی، خانه‌ها اغلب در اطراف معابر فرعی یعنی کوی‌ها، کوچه‌ها، گذرها و بن‌بست‌ها قرار می‌گرفتند و بیشتر به صورت یک طبقه بنا می‌شدند و دیوارهای حیاط هم به دلیل حفظ حریمیت، به قدری بلند ساخته می‌شدند که فقط نوک درختان از معبر دیده می‌شد (همان، ۲۰۷؛ شکل ۱ و ۲). سطوح خارجی خانه‌ها مانند دیوارها و ورودی‌ها به سبب اصل درونگرایی حاکم بر جامعه، بسیار ساده و بدون هیچ طراحی و تزیینی شکل می‌گرفت؛ به گونه‌ای که حتی روزن یا پنجره‌ای نیز در سطح آن‌ها به چشم نمی‌خورد و سادگی و یکنواختی بدنه‌ها چنان بود

تحولات بافتی تهران در دوره قاجار _____ مینا رمضان‌جماعت و همکار

که نه توجه دیگران به آن جلب شود و نه تشخیص ماهیت معماری و فضاهای درونی خانه از داخل معبر به آسانی انجام گیرد (میرزایی، ۱۳۸۵: ۱۹۴؛ شکل ۴-۶). ورودی که معمولاً در نزدیکی یکی از گوشه‌های خانه قرار می‌گرفت، اغلب حالتی گشوده و باز به سوی معبر داشت و گاه فضایی بسته و اختصاصی بود؛ به این صورت که در ورودی دو یا چند خانه در یک محیط واحد مانند کوچه بن‌بست یا هشتی متصل به معبر قرار می‌گرفت و فضای واقع در ابتدای این کوچه یا هشتی به‌مثابه فضای ورودی خانه‌ها طراحی می‌شد و با یک در به لبه راه متصل می‌شد که به این فضای محصور و بسته کوچه دردار می‌گفتند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۴۶ و ۱۷۴؛ شکل ۸ و ۹). درگاه خانه‌ها نیز معمولاً به‌صورتی بلند (۱/۵ متر با عمق حدود ۰/۵ متر) و کوتاه‌تر از سطوح مجاور خود بود و بسته به عرض کم معابر، عموماً در کنار معبر و در امتداد لبه معبر قرار می‌گرفت (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۲۸).



شکل ۸ نمایشی از ورودی بسته خانه‌ها در یک کوچه دردار (محله سنگلج)

(منبع: نگارندگان)



شکل ۹ نمایی از ورودی بسته خانه‌ها در یک کوچه دردار (محله سنگلج)

(منبع: نگارندگان)

بافت شهر تهران تا مدت‌ها به این شکل بود و ضرورتی در تغییر آن احساس نمی‌شد؛ اما به‌دنبال نیازهای جامعه و همچنین تأثیر غرب-به‌ویژه از دوره ناصرالدین‌شاه به بعد- بر سیاست، اجتماع، فرهنگ، هنر و شهرسازی، جامعه سنتی به‌همراه تمام عناصرش از جمله کالبد، بافت و معماری شهری متحول شد و رفته‌رفته رنگ و بوی غربی به خود گرفت تا اینکه سرانجام کاملاً به شکل و شمایل اروپایی درآمد.

۲-۳. تهران در دوره ناصرالدین شاه

۳-۲-۱. ویژگی‌های کالبدی و ساختاری شهر در سال‌های آغازین حکومت

براساس نقشه کرشیش ۱۲۷۵ق (شکل ۱۰)، در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه تهران دارای حصاری چندضلعی به طول ۹ کیلومتر (مقتدر، ۱۳۷۵: ۴۰)، دیوارهای دفاعی، شش دروازه، پنج محله مسکونی و بافتی سنتی بود. دروازه‌های شهر عبارت بودند از: دروازه قزوین، دروازه دولاب، دروازه شمیران، دروازه دولت (به‌جای دروازه ارگ ساخته شده بود)، دروازه شاه‌عبدالعظیم و دروازه خانی‌آباد (دروازه نو/ محمدیه) در جنوب تهران که در سال ۱۲۶۳ق به دستور محمدشاه ساخته شد (اسکرس، ۱۳۷۵: ۸۰).

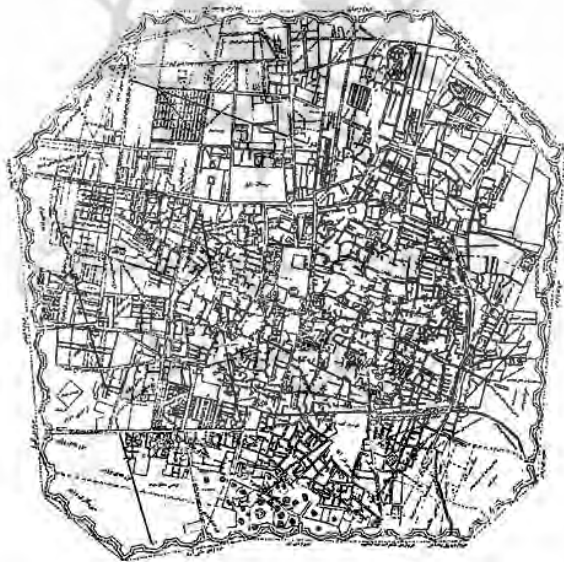


شکل ۱۰ تهران سال ۱۲۷۵ق براساس نقشه کرشیش

(منبع: نوریخس، ۱۳۸۱: ۸۱۴)

محله‌ها هم، مانند گذشته، شامل عودلاجان، چال میدان، بازار، سنگلیج و ارگ بود. عودلاجان در مقایسه با قبل کوچک‌تر شده و به همین دلیل از سکونت اعیان در آن کاسته شده بود (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۰)؛ در چال میدان دیگر رجال سرشناس زندگی نمی‌کردند و ساکنان آن سربازها و

توپچی‌ها و غلامان بودند (نوریخس، ۱۳۸۱: ۸۴۱)؛ بازار توسعه پیدا کرده و بخش مسکونی آن متراکم‌تر شده بود (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۵)؛ سنگلج که اعیان و رجال آن را بزرگ‌ترین و بهترین محله برای سکونت می‌دانستند (همان، ۳۱) و ارگ که همچنان مکان زندگی خاندان حکومتی و اشراف بود. بخشی از فضای شمال‌غربی شهر را همین مجموعه بناهای سلطنتی و اداری ارگ دربرگرفته بود که خود دارای حصار جداگانه بود که تا دیوار شمالی شهر امتداد می‌یافت. در جنوب و تاحدی در شرق ارگ، مکان‌های خدماتی اصلی شهر از قبیل بناهای مذهبی، بازارها و کارگاه‌ها قرار داشت و محله‌های مسکونی هم اغلب در شمال‌شرقی و شمال‌غربی واقع شده بود (اسکرس، ۱۳۷۵: ۸۰). اما به تدریج اعیان و اشراف باغ‌ها و عمارت‌های بسیاری در خارج از حصار شهر (خارج از دروازه شمیران و دروازه دولت) برای خود ساختند و به مرور زمان، جمعیت افزایش یافت (سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۲۸)؛ در نتیجه ناصرالدین‌شاه تصمیم گرفت تهران را گسترش دهد و برای این کار، الگوهای غربی را مد نظر قرار داد. نقشه عبدالغفار نجم‌الملک به سال ۱۳۰۹ ق رونق این گسترش را به‌خوبی نشان می‌دهد (شکل ۱۱).



شکل ۱۱ تهران سال ۱۳۰۹ ق براساس نقشه نجم‌الملک

(منبع: سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۲۸)

۲-۲-۳. دگرگونی‌های فرم و شاخصه‌های شهری در سال‌های میانی و پایانی حکومت

کار توسعه تهران در سال ۱۲۸۴ق با تخریب حصار زمان شاه‌طهماسب و فتحعلی‌شاه و همچنین مناطق پرجمعیت شهر آغاز شد و به‌جای حصار قدیم، حصار آجری هشت‌گوشی به طول ۱۷ کیلومتر با ۵۸ bastion و یک خندق در اطراف آن ساخته شد. این حصار جدید حدود ۱۶۰۰ متر بیرون از حصار اولی بود؛ به این ترتیب بر وسعت تهران افزوده شد (ویلیامز جکسن، ۱۳۵۲: ۴۷۴) و محیط شهر از سه کیلومتر به بیش از نوزده کیلومتر رسید و مساحت شهر از چهار کیلومتر به بیش از هجده کیلومتر افزایش یافت (سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۲۹). در این حصار، دوازده دروازه نیز در نظر گرفته شد که هر دروازه چهار تا شش گلدسته داشت (اعظام قدسی، ۱۳۷۹: ۴۹). مکان پنج دروازه (دروازه دولت، شمیران، قزوین، دولا ب و شاه‌عبدالعظیم) مطابق با محل آن‌ها در حصار قدیمی بود؛ اما کمی عقب‌تر از جای پیشین قرار گرفتند. هفت دروازه دیگر هم به نام‌های دروازه یوسف‌آباد یا بهجت‌آباد، دروازه غار، دروازه دوشان‌تپه و دروازه خراسان، و همچنین دروازه باغشاه و دروازه گمرک به ترتیب در شمال، جنوب، شرق و غرب قرار داشتند (سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۳۰). یکی از نتایج بسیار مهم این حصارکشی جدید و ایجاد بافت نیمه‌غربی در تهران، آرایش مجدد مجموعه بناهای سلطنتی و اداری ارگ بود؛ زیرا ارگ به همراه بناهای مذهبی، بازارها و کارگاه‌ها قسمتی از جنوب شهر را تشکیل می‌داد و چون گسترش بیشتر شهر در جنوب در فراسوی مناطق تجاری و صنعتی - که به کوره‌های آجرپزی می‌رسید - دیگر معقول نبود، فضای بیشتری از شمال وارد محدوده شهر شد که رونق یافت و به صورت مناطق مسکونی درآمد (سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۳۰).

با گذشت زمان و بر اثر این تغییرات، شهر بسیار توسعه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که زمین‌های شهر دیگر پاسخ‌گوی این توسعه نبود. افزایش جمعیت معضلات و مشکلات فراوانی به بار آورده بود؛ معابر کم‌عرض شهر دیگر گنجایش کافی برای عبور و مرور نداشت؛ کمبود فاضلاب و فقدان شبکه آب آشامیدنی بهداشتی هم از کاستی‌هایی بودند که به مرور خود را آشکار می‌کردند و سران را به اندیشه نوسازی و بهره‌برداری بهینه از افزایش مساحت شهر وامی‌داشتند. در این اوضاع، تحولات نوسازی شهر پاریس در نیمه دوم قرن نوزدهم مورد تقلید قرار گرفت و عیناً در تهران به کار گرفته شد. این اصلاحات عبارت بودند از: احداث محله‌های جدید در حومه شهرها و ایجاد خیابان‌های جدید در محله‌های قدیمی؛ ساخت شبکه‌ای از

معابر وسیع و مستقیم روی بافت قدیمی شهر؛ تجدید بنای ساختمان‌های اطراف خیابان‌ها با رعایت اصول قرینه‌سازی؛ تناسب ارتفاع بناهای حاشیة خیابان‌ها با عرض خیابان و احداث شبکه جدید تأسیسات شهری (قریب، ۱۳۷۴: ۲۱۲).

بدین ترتیب در اواخر دوره ناصرالدین‌شاه، برای بار دیگر دگرگونی‌هایی در تهران پدید آمد؛ به این صورت که علاوه بر محله‌های پنج‌گانه شهر، محله‌های جدیدی به‌نام دولت در شمال،^۵ قاجاریه در شرق، محمدیه در جنوب، قنات‌آباد در جنوب‌غربی و حسن‌آباد در غرب ساخته شد (اسکرس، ۱۳۷۵: ۸۶). بافت متراکم شهر، به‌ویژه در محله‌های شمالی و غربی شکلی منظم به خود گرفت؛ اما به محله‌های جنوبی و شرقی که محل سکونت افراد فقیر بود، کمتر توجه شد و بافت شهری آن‌ها نامنظم باقی ماند (قریب، ۱۳۷۴: ۲۱۳ و ۲۱۵). کوچه‌ها سنگ‌فرش شد، معابر قدیم شوسه شد و به سبک خیابان‌های نئوکلاسیک اروپا خیابان‌های جدیدی در تهران ساخته شد که مهم‌ترین شاخصه آن‌ها، عریض‌تر شدن و در نتیجه مستقیم شدن امتداد معابر بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶؛ شکل ۱۲). این خیابان‌های عریض و مستقیم به‌عنوان مظهر شهرسازی جدید، جای کوچه‌ها و گذرهای ارتباطی بافت قدیم را گرفتند و بدون توجه به محیط سنتی و ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهر، به مکانی برای رفت‌وآمد، دادوستد، کسب و کار و گردش تبدیل شدند.



شکل ۱۲ معبری عریض و مستقیم با خانه‌های سبک غربی (محله دولت)

(منبع: نگارندگان)

اولین خیابان‌هایی که در بافت جدید تهران به شیوه خیابان‌های اروپایی ساخته شد عبارت‌اند از: باب همایون، درب اندرون، مریضخانه، ناصریه، لاله‌زار، امیریه، چراغ برق، علاءالدوله و بهارستان. با ساخت این نوع معابر نقش سنتی بازار تا حدود زیادی کم‌رنگ شد؛ زیرا آن‌ها انواع خدمات شهری و تأسیسات مورد نیاز را در اختیار ساکنان قرار می‌دادند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۴۰). در ادامه این روند، میدان‌ها نیز مفهوم کهن خود را از دست دادند و در شکل و عملکرد آن‌ها تغییراتی ایجاد شد؛ میدان‌های توپخانه، ارگ، سبزه‌میدان، بهارستان و امین‌السلطان هرکدام نشانه‌ای از این دگرگونی هستند. در همین زمان، رفت‌وآمد وسایل نقلیه عمومی مانند کالسکه و درشکه و در اواخر دوره، واگن اسبی و ماشین دودی (از وسایل نقلیه درون‌شهری) و پالکی، معماری و کجاوه (مخصوص حمل‌ونقل مسافران خارج از شهر) در خیابان‌های تهران رواج یافت. در سال ۱۲۸۳ق نیز مظفرالدین‌شاه اولین اتومبیل یا کالسکه بخار را وارد ایران کرد و ویژگی ارتباط‌دهندگی خیابان‌ها را تسریع بخشید؛ ولی اوج استفاده از اتومبیل - که تأثیری بنیادی در شهرسازی داشت - در دوره پهلوی اول بود. به این ترتیب، ایجاد خیابان‌های جدید تهران نه تنها موجب دسترسی آسان‌تر ساکنان محله‌های مسکونی به واحدهای تولیدی، خدماتی و تجهیزات عمومی شهری شد؛ بلکه روانی و تسهیل در حمل‌ونقل و استفاده بهتر از خدمات شهری را نیز به همراه داشت. اما همین خیابان‌ها در تداوم شکل‌گیری خود، باعث از بین رفتن سیمای هماهنگ شهر و از هم‌گسیختگی بافت‌های شهری و پیوند اجتماعی مردم، به‌ویژه در محله‌های قدیمی شد (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۷۹ و ۲۴۶)؛ زیرا محله‌های سنتی همچنان سازمان فضایی و شبکه ارتباطی شان را حفظ کردند؛ درحالی که محله‌های جدید در کنار خیابان‌های تازه ساخته‌شده توسعه یافتند و یکی از مهم‌ترین ناهماهنگی‌ها را در شهر رقم زدند. همچنین، در بافت جدید تهران محله‌ها بیش از آنکه نشان‌دهنده خصوصیات قومی و قبیله‌ای و نژادی باشند، نماد تمایزهای اجتماعی بودند؛ مانند محله فرادستان و محله فرودستان، محله بالای شهر و محله پایین شهر (همان، ۲۴۶) که هرکدام به ترتیب مکان سکونت ثروتمندان، طبقات متوسط و مردم عادی و فقیر بود و این امر تا حد زیادی موجب شکاف طبقاتی و دوقطبی شدن جامعه می‌شد.

۳-۲-۳. چگونگی فضا سازی خانه‌ها

با توجه به دگرگونی‌های بافتی در دو برهه، یعنی سال‌های میانی سلطنت ناصرالدین شاه و سال‌های پایانی آن، می‌توان دو گونه ساخت و ساز مسکونی را برای تهران قائل شد:

۱. خانه‌هایی که در بافتی نیمه غربی / نیمه سستی جای می‌گرفتند و اغلب به صورتی گشوده، در حاشیه معابر فرعی یا معابر اصلی (کوچه‌های پهن) قرار داشتند. این خانه‌ها یک طبقه و اغلب دو طبقه ساخته می‌شدند؛ دیوارهایی بلند و تزیینی داشتند و بر بالای اکثر درهای ورودی، روزن و در موارد معدودی (در یکی از طرفین ورودی) تک پنجره‌ای کوچک به چشم می‌خورد. ورودی‌ها نیز معمولاً بلند (حدود ۱/۵ متر، به عرض ۳ تا ۴ متر و ارتفاع ۳ تا ۴/۵ متر) و کوتاه‌تر از سطوح مجاور خود بود و مانند گذشته، در امتداد لبه معبر قرار می‌گرفت (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۴ و ۱۳۴).

۲. خانه‌هایی که در بافت غربی تهران جای می‌گرفتند و در اکثر موارد به صورتی گشوده، در حواشی معابر اصلی یعنی کوچه‌های پهن، خیابان‌ها و میدان‌ها قرار داشتند (شکل ۱۲). در این سبک خانه‌سازی، شکل غیرهندسی قطعات زمین در بافت سنتی - که متأثر از فرم معابر و گذرها بود - به شکلی هندسی و منظم تبدیل شد که تاحدی بر نحوه نورگیری خانه‌ها اثر گذاشت و موجب شد روزن‌ها و پنجره‌های بیشتری از آن‌ها به سمت معابر باز شود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۱). همچنین، به این دلیل که بخشی از نور و منظر خانه‌ها از طریق خیابان تأمین می‌شد، نمای طراحی شده و شاخصی را نیز برای خانه‌ها ایجاد کردند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۸). در چنین طرح نیمه برون‌گرا یا برون‌گرایی، دیوارها آجری و گاه کوتاه‌تر از دوره‌های قبل بود و خانه‌ها در دو طبقه ساخته می‌شد که اقتباسی از طرح ساختمان‌های دوران نئوکلاسیک بود (ذکاوت، ۱۳۷۴: ۱۳۶؛ شکل ۱۳ و ۱۴). ورودی خانه‌ها به ویژه آن‌هایی که در کنار خیابان‌ها بودند نیز گاه به حالتی بلند، در میان یکی از جبهه‌های اصلی بنا طراحی و ساخته می‌شدند و معمولاً هم‌ارتفاع با سطوح مجاور خود بودند و در امتداد لبه معبر قرار داشتند. به این ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که دگرگونی‌های ساختاری شهر در طول زمان، معماری مسکونی را تا چه حد دگرگون و آن را به معماری غربی نزدیک کرده است.



شکل ۱۳ نمایی از یک خانه دوطبقه با پنجره‌های رو به معبر (محله دولت)



شکل ۱۴ معابر وسیع با دیوارهای کوتاه و فضاهای طراحی شده خانه‌ها در حواشی آن‌ها (محله دولت)
(منبع: نگارندگان)



شکل ۱۵ معابر وسیع با دیوارهای کوتاه و فضاهای طراحی شده‌ی خانه‌ها در حواشی آنها (محلّه دولت)
(منبع: نگارندگان)

۳-۳. تهران در دوره بعد از ناصرالدین‌شاه

۳-۳-۱. منظر، بافت شهری و موقعیت خانه‌ها در این عهد

پس از حکومت ناصرالدین‌شاه یعنی در دوران آخرین شاهان قاجار (مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه)، تهران پیوسته در جهت شمال گسترش پیدا کرد و ییلاقات اطراف جزء حومه شهر شد (اسکرس، ۱۳۷۵: ۹۵). اما شهر مانند گذشته، از پنج محلّه اصلی و تعدادی محلّه فرعی تشکیل می‌شد؛ با این تفاوت که محلّه ارگ جای خود را به محلّه بزرگ دولت داده و دولت مانند مناطق شمالی تهران، به محلّه اروپایی‌نشین شهر تبدیل شده بود (اتحادیه، ۱۳۷۶: ۳۴). در این زمان، خانه‌ها نیز همان موقعیت فضایی و ساختاری پیشین خود را حفظ کردند؛ با این ویژگی که تقلید از بناهای غربی در آنها به اوج رسیده بود و کاملاً حال و هوایی اروپایی یافته بودند. اما شهر تغییر مهم دیگری نکرد و تا آخرین روزهای حکومت

قاجار، در همان سیمای غربی‌وار خود ماند و بافت جدید و شیوه‌های معماری نوینش را به‌عنوان سبک برتر شهرسازی تهران حفظ کرد.

مطالبی که در هر سه دوره مورد بحث (یعنی دوره ناصری و دوره‌های پیش از آن و پس از آن) درباب چگونگی فضا‌سازی خانه‌ها به‌تناسب تحولات بافتی تهران و یا دقیق‌تر، درزمینه نحوه قرارگیری خانه‌ها در طول معابر شهری بیان شد، اهم کلیاتی است که می‌توان در این‌باره مطرح کرد. اما ویژگی‌های فضایی خانه‌ها و مکان‌یابی آن‌ها نسبت به ساختار شهری - به‌جز برهه ساخت و نوع بافت - به عواملی دیگر مانند خصوصیات طبیعی و ساختاری محله‌ها، میزان امنیت محله‌ها، جایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنان، روابط خویشاوندی ساکنان و علایق صاحبان خانه نیز بستگی دارد که تمام این موارد تعیین‌کننده نحوه رابطه فضایی خانه‌ها با معابر و دیگر تأسیسات معماری شهری است که نیازمند بحثی مفصل و جداگانه است.

اما در این بخش کوشش شده است تا شاخصه‌های کالبدی خانه‌های قاجاری در شش منطقه اصلی تهران - با در نظر گرفتن این متغیرها - تحلیل و شباهت یا تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر نمایان شود:

در محله عودلاجان - که بیشتر ساختاری سنتی دارد^۶ - ورودی خانه‌ها گشوده و اغلب به‌صورتی کوتاه‌تر از سطوح مجاور خود است. خانه‌ها نیز در کنار معبر و معمولاً در امتداد لبه معبر قرار می‌گیرند؛ گرچه گاهی خانه‌هایی عقب‌تر از لبه معبر هم دیده می‌شوند که با توجه به نیمه‌اعیان‌نشین بودن منطقه عودلاجان، شاید بتوان این‌گونه خانه‌ها را به طبقات مرفه ساکن آن محله نسبت داد (جدول ۱، شماره ۱-۳)^۷.

در محله چال‌میدان - که کاملاً دارای ساختاری سنتی است - ورودی بیشتر خانه‌ها گشوده است؛ گرچه در موارد اندکی ورودی بسته نیز به‌چشم می‌خورد که با توجه به آنچه در منابع درباره این محله گفته شده است (ر.ک: نوربخش، ۱۳۸۱: ۸۲۳) و القاب آن که تا به امروز بر سر زبان‌ها باقی است (لات‌های چال‌میدان)، می‌توان علت را در ناامنی - زودگذر - این محله جست‌وجو کرد. این ورودی‌ها که اغلب شکلی بلند دارند و کوتاه‌تر از سطوح مجاور خود هستند، در کنار معابر و در امتداد لبه معابر قرار می‌گیرند. برخی از خانه‌های این محله نیز در

فضای هشتی متصل به معبر یا در انتهای معبر جای دارند که بار دیگر به بحث نبود امنیت محله چال میدان اشاره می‌کند (جدول ۱، شماره ۴-۷).

در محله بازار- که ساختاری سنتی دارد- خانه‌ها در کنار معبر و عموماً در امتداد لبه معبر تعبیه می‌شوند و ورودی گشوده آن‌ها به صورتی بلند یا متوسط، اغلب هم‌ارتفاع با سطوح مجاور قرار می‌گیرد (جدول ۱، شماره ۸ و ۹).

در محله سنگلج- که بیشتر ساختاری نیمه‌غربی دارد- خانه‌ها اغلب ورودی گشوده دارند و در کنار معابر قرار می‌گیرند؛ اما در مواردی ورودی‌های بسته و خانه‌های واقع در هشتی متصل به معبر نیز مشاهده می‌شود که در این مورد می‌توان به دو عامل اشاره کرد که هر دو گاهی ساخت‌وسازی این‌چنینی را در پی دارند: ۱. خاندان‌های ثروتمند ساکن محله سنگلج که خواستار سکونت در محیطی خصوصی‌تر بودند. ۲. ناامنی محله در برهه‌ای از این دوره؛ زیرا محله سنگلج از جانب شرق به خیابان جلیل‌آباد (خیام) منتهی می‌شد که این خیابان محل اجتماع دزدان و اراذل و اوباش سنگلج و گاه مکان قماربازی قزاق‌ها بود (ر.ک: سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۳۱). در برخی موارد نیز خانه‌های سنگلج در محل گردش معبر قرار می‌گرفت که علت آن، عموماً بافت نیمه‌غربی و معابر و گذرهای به‌نسبت عریض محله بود. ورودی خانه‌ها به صورتی بلند یا متوسط، معمولاً هم‌ارتفاع با سطوح مجاور و در امتداد لبه معبر تعبیه شده بود؛ گرچه در مواردی، خانه‌هایی عقب‌تر از لبه معبر نیز گزارش شده است که نشان از اعیان‌نشین بودن محله سنگلج دارد (جدول ۱، شماره ۱۰-۱۳).

در محله دولت- که تقریباً ساختاری غربی دارد- ورودی خانه‌ها گشوده و اغلب به صورتی کشیده و گاه بلند است که در حالتی کوتاه‌تر و گاه هم‌ارتفاع با سطوح مجاور قرار می‌گیرد. خانه‌ها نیز در کنار معبر و عموماً در امتداد لبه معبر جای دارند؛ اگرچه در مواردی، خانه‌هایی با عقب‌نشینی از لبه معبر نیز مشاهده می‌شود که به ساکنان ثروتمند محله دولت اشاره دارد (جدول ۱، شماره ۱۴-۱۷).

در مناطق شمالی تهران نیز- که کاملاً ساختاری غربی دارد- خانه‌ها اغلب در کنار معابر و در امتداد لبه آن‌ها طراحی می‌شوند؛ اما معدود خانه‌هایی نیز در محل گردش معبر و عقب‌تر از لبه آن قرار می‌گیرند که علت آن، وجود معابر و خیابان‌های بسیار عریض این محله و ساکنان ثروتمندش است. ورودی‌ها نیز به حالتی گشوده و کشیده، معمولاً بلندتر و گاه هم‌ارتفاع با سطوح مجاور خود قرار می‌گیرند (جدول ۱، شماره ۱۸-۲۰).

جدول ۱ مشخصات خانه‌های قاجاری واقع در محله‌های اصلی تهران قدیم

ردیف	نام و موقعیت بنا	نحوه قرارگیری ورودی	نوع بافت
۱	عودلجان، محله سرچشمه، کوچه جاویدی	گشوده، بلند، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۲	عودلجان، محله پامنار، کوچه احمدی‌نیا	گشوده، متوسط، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، عقب‌تر از لبه معبر	سستی
۳	خانه جلال‌الدین تهرانی، عودلجان، ضلع غربی خیابان ری	گشوده، بلند، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	نیمه‌غربی
۴	چال میدان، خیابان ری، کوچه درویش‌ها	گشوده، بلند، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در انتهای معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۵	چال میدان، کوچه عباس، کوچه برخوردار	گشوده، بلند، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در ابتدای هشتی متصل به معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۶	چال میدان، کوچه برخوردار، کوچه رسولی	گشوده، بلند، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۷	چال میدان، خیابان صاحب‌جمع، کوچه دلخوش	بسته، متوسط، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در ابتدای هشتی متصل به معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۸	بازار، انتهای بازار مسگرها	گشوده، بلند، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۹	بازار، محله ملک‌آباد، کوچه فراشباشی	گشوده، متوسط، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۱۰	سنگلج، محله پاچنار، کوچه کارکن اساسی	گشوده، بلند، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در کنار معبر، عقب‌تر از لبه معبر	نیمه‌غربی
۱۱	سنگلج، خیابان خیم، کوچه قمری‌خان	گشوده، متوسط، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در ابتدای هشتی متصل به معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۱۲	سنگلج، خیابان وحدت اسلامی، کوچه حمامی	بسته، متوسط، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در ابتدای هشتی متصل به معبر، در امتداد لبه معبر	سستی
۱۳	سنگلج، محله قنات‌آباد، کوچه شاه‌حسینی	گشوده، بلند، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در محل گردش معبر، در امتداد لبه معبر	نیمه‌غربی
۱۴	دولت، میدان بهارستان، کوچه نظامیه	گشوده، بلند، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	غربی
۱۵	دولت، خیابان جمهوری، ابتدای خیابان ظهیرالاسلام	گشوده، کشیده، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	غربی
۱۶	خانه اتحادیه، دولت، خیابان لاله‌زار، کوچه اتحادیه	گشوده، بلند، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در کنار معبر، عقب‌تر از لبه معبر	نیمه‌غربی
۱۷	دولت، خیابان سعدی، خیابان تقوی	گشوده، کشیده، کوتاه‌تر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	غربی
۱۸	خانه رهنما، نیوران، خیابان باهنر، بن‌بست آهنگ	گشوده، کشیده، هم‌ارتفاع با سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	غربی
۱۹	خانه حسین خداداد، زعفرانیه، خیابان فلاحی، نبش خیابان بغدادی	گشوده، کشیده، بلندتر از سطوح مجاور، در محل گردش معبر، عقب‌تر از لبه معبر	غربی
۲۰	قلهک، خیابان یخچال	گشوده، کشیده، بلندتر از سطوح مجاور، در کنار معبر، در امتداد لبه معبر	غربی

بنابراین، در بیشتر محله‌های تهران ورودی خانه‌ها گشوده است و فقط خانه‌هایی در محله‌های چال میدان و سنگلج ورودی بسته دارند؛ شاید به این علت که این خانه‌ها هنگام نامنی جامعه یا محله ساخته شده‌اند و یا اینکه صاحبان ثروتمندشان خواهان فضایی خصوصی برای خانه‌شان بوده‌اند. ورودی اغلب خانه‌های عودلاجان و چال میدان از نظر تناسب، بلند و از نظر ارتفاع، کوتاه‌تر از سطوح مجاور است. ورودی اکثر خانه‌های بازار و سنگلج نیز متوسط و گاه بلند و تقریباً هم‌ارتفاع با سطوح مجاور است. ورودی خانه‌های محله‌های دولت و شمال تهران نیز اغلب حالتی کشیده دارد و سطح بیشتری از نمای خارجی را به خود اختصاص می‌دهد؛ اما ورودی کشیده خانه‌های دولت معمولاً کوتاه‌تر از سطوح مجاور و ورودی کشیده خانه‌های شمال تهران بلندتر یا هم‌ارتفاع با سطوح مجاور است. اکثر خانه‌ها در کنار معبر و در امتداد لبه آن جای دارند؛ با این تفاوت که خانه‌های عودلاجان، چال میدان، بازار و تعداد بی‌شماری از خانه‌های سنگلج بیشتر در کنار معابر فرعی، و خانه‌های دولت و شمال شهر اغلب در حواشی کوچه‌های پهن یا معابر اصلی قرار دارند. در این میان، خانه‌هایی نیز وجود دارند که به دلیل نامنی محله‌ها یا علایق ساکنان ثروتمندشان در انتهای معبر (چال میدان) و در ابتدای هشتی متصل به معبر (چال میدان و سنگلج)، به دلیل عرض معابر و گذرها در محل گردش معبر (سنگلج و مناطق شمالی) و همچنین به دلیل موقعیت برتر اجتماعی و اقتصادی صاحبان خانه عقب‌تر از لبه معبر ساخته شده‌اند. خانه‌هایی با این ویژگی در محله‌های نیمه‌ایمانی و اعیانی تهران (مانند عودلاجان، سنگلج، دولت و شمال شهر) دیده می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

شهر تهران در اوایل پایتختی خود، جامعه‌ای سنتی بود و به تبع بافتی سنتی داشت؛ اما بافت این شهر نیز مانند دیگر عناصر سازنده شهری برگرفته از زمان و متأثر از شرایط و عوامل گوناگونی است که زمینه‌های دگرگونی شکل و محتوای آن را فراهم کرده است. در این میان، اصلی‌ترین عامل، ورود فرهنگ غرب است که رفته‌رفته در تار و پود شهر نفوذ

و بافت تهران را به کلی دگرگون کرد. طی این روند تغییر که از ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه آغاز شد و تقریباً تا پایان دوره قاجار به طول انجامید، تهران چندضلعی با حصار شاه‌طهماسبی به شهری توسعه‌یافته با حصار هشت‌گوش ناصری تبدیل شد و طول حصار از شش کیلومتر به نه و سپس به هفده کیلومتر گسترش یافت. تعداد دروازه‌ها از پنج دروازه به شش و سپس به دوازده دروازه رسید و تعداد محله‌های مسکونی از پنج محله به ده محله و بیشتر افزایش یافت. در کنار این تحولات، موقعیت، نقش و ویژگی محله‌ها نیز تغییر کرد. به این ترتیب که محله شمالی ارگ پس از گسترش شهر در جهت شمال، ابتدا در بخش جنوبی قرار گرفت و بعدها جزئی از محله بزرگ دولت شد و در آن ادغام شد. اعیان و رجال از محله عودلاجان به محله سنگلج روی آوردند؛ بازار که پرجمعیت‌ترین محله‌ها بود، فقط نقش اقتصادی به خود گرفت و بخش مسکونی آن متراکم‌تر شد؛ همچنین محله‌ها برخلاف گذشته، دو گروه اجتماعی جامعه یعنی فقرا و اغنیا را به شکلی جداگانه در خود جای دادند و موجب ازهم‌گسیختگی بافت شهر شدند؛ معابر کم‌عرض، طویل و نامنظم شهری جای خود را به معابری عریض، مستقیم و سنگفرش شده داد و به دنبال آن، تردد وسایل حمل‌ونقل عمومی بیش از پیش رواج یافت. در این سیر تحول، بازار و میدان‌های شهر نیز تغییر شکل و کاربری داد و از این پس، نقش آن‌ها به حاشیه خیابان‌های تازه‌ساخت شهر منتقل شد.

یکی از برجسته‌ترین تغییراتی که در این میان رخ می‌نماید، تغییرات فضایی و ساختاری معماری تهران، به‌ویژه معماری مسکونی آن است. طی این روند، خانه‌های ساده و درونگرای واقع در اطراف معابر فرعی به خانه‌هایی برونگرا و طراحی‌شده در حاشیه معابر اصلی تغییر پیدا کرد. دیوارهای بلند و ساده خانه‌ها جای خود را به دیوارهای تزئینی با روزن و یا دیوارهای روزن‌دار و پنجره‌دار کوتاه داد. ورودی بلند خانه‌ها نیز که کوتاه‌تر از سطوح مجاور خود بود، به‌مرور شکلی متوسط و هم‌ارتفاع با سطوح یافت و سرانجام، به ورودی کشیده و گاه بلندتر از سطوح مجاور تبدیل شد. بدین ترتیب، می‌توان تحول اصلی خانه‌ها را در نوع معابری که حول آن قرار می‌گرفتند، در طراحی بدنه معابر و همچنین در تناسب و ارتفاع ورودی‌ها دانست.

روند شهرسازی در تهران دوره قاجار گویای تغییر و تحولی عمیق و همه‌جانبه در ماهیت شهر است. تحولاتی که برخاسته از برهه‌ای است و از دگرگونی گرایش‌های معماری و شهرسازی (از سنت‌گرایی به تجددمآبی) مایه می‌گیرد و در تمام زمینه‌ها - از شکل شهر و نوع حصارکشی تا تعداد دروازه‌ها و محله‌ها و نوع بافت و چگونگی فضایی خانه‌ها - نمود پیدا می‌کند و در مجموع، بافتی کاملاً جدید را جایگزین پیچیدگی سنتی شهر و ساخت‌وساز قدیم شهری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. از آنجا که مهم‌ترین تحولات بافتی تهران در دوران ناصرالدین‌شاه پدید آمده است، این تقسیم‌بندی زمانی در سه دوره و برپایه حکومت ناصرالدین‌شاه صورت می‌گیرد.
۲. در سال ۱۹۶۱ق به دستور شاه‌طهماسب دور تا دور تهران را حصار به طول شش کیلومتر کشیدند که به حصار شاه‌طهماسبی معروف بود و اولین حصار تهران به‌شمار می‌رفت (تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۲۴).
۳. تفاوت قومی و عشیره‌ای محله‌ها به این معنا که گروه‌ها و طبقات مختلف فرهنگی، اقوام گوناگون و اقلیت‌های متنوع جامعه در محله‌هایی متفاوت ساکن بودند.
۴. گویا کوچه‌های تهران نیز سقف داشت؛ اما کنت دومنت فورت اتریشی - که مدتی مسئول راه‌اندازی تشکیلات نظمی بود - برای برقراری نظم و امنیت و دستگیری دزدان، سقف کوچه‌های شهر را تخریب کرد تا سارقان هنگام تعقیب، به راحتی نتوانند از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر فرار کنند (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).
۵. پس از توسعه تهران، در شمال محله‌های عودلاجان، ارگ و سنگلج، محله بزرگی به نام دولت ایجاد شد. محله دولت که از ۱۲۹۰ق به بعد به وجود آمد و نامش را از دروازه دولت گرفته بود، قسمتی از محله عودلاجان و ارگ را دربرمی‌گرفت (نوربخش، ۱۳۸۱: ۸۵۵).
۶. در محله‌های گوناگون تهران، بسته به دگرگونی‌های بافتی شهر، ساختارهای متنوعی به چشم می‌خورد که اغلب یکی از آن‌ها بر انواع دیگر غلبه دارد و بافت حاکم بر آن محله را شکل می‌دهد.
۷. عقب بودن فضای ورودی نسبت به معبر نشان‌دهنده جایگاه بالای اجتماعی یا اقتصادی صاحب‌خانه است.

تحولات بافتی تهران در دوره قاجار _____ مینا رمضان جماعت و همکار

منابع

- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۶). «جنایت و مکافات (مسئله امنیت در تهران عهد ناصری)». تهران. ج ۵ و ۶. تهران: روشنگران.
- _____ (۱۳۷۷). «رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری». *اینجا تهران است...* (مجموعه مقالاتی درباره تهران ۱۳۴۴-۱۲۹۶ق). تهران: تاریخ ایران.
- اسکرس، جنیفر (۱۳۷۵). «نقش معماری در پیدایش تهران». ترجمه احمد سیدی و فاطمه وثوقی در *تهران پایتخت دویست ساله*. تهران: روشنگران.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۷۹). *خاطرات من (یا تاریخ صدساله ایران)*. ج ۱. تهران: کارنگ.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۲). *تهران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- چرم‌ساز، کامران (۱۳۷۴). *نگرشی بر معماری معاصر ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۸). «مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران» در *مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. سال دوم. ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸). *از خراسان تا بختیاری*. ترجمه غلامرضا سعیدی. ج ۲. تهران: طاووس.
- ذاکرزاده، امیرحسین (۱۳۷۳). *سرگذشت تهران*. تهران: قلم.
- ذکاوت، کامران (۱۳۷۴). «معماری خیابانی» در *نخستین کنگره معماری و شهرسازی ایران*. سال اول. ج ۳. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۶). «تهران پایتخت». تهران. ج ۵ و ۶. تهران: روشنگران.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲). *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*. ج ۲. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۳). *نماهایی از ساختمان‌های تهران (از معماری دوران انتقال)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- _____ (۱۳۷۵). پنجره‌های قدیمی تهران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۳). معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران). تهران: پشتون.
- قریب، فریدون (۱۳۷۴). «معايير تهران در دوره قاجاریه» در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- کاتب، فاطمه (۱۳۸۴). معماری خانه‌های ایرانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوی اول (دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری در دوره بیست‌ساله معاصر ایران). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- معتمدی، محسن (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی تهران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معرفت، مینا (۱۳۷۵). «پیش‌کسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند» در تهران پایتخت دو بیست‌ساله. تهران: علمی و فرهنگی.
- مقتدر، محمدرضا (۱۳۷۵). «تهران درون حصار: از صفویه تا آغاز پهلوی ۱۳۰۸-۹۳۲» در تهران پایتخت دو بیست‌ساله. تهران: علمی و فرهنگی.
- میرزایی، رضا و دیگران (۱۳۸۵). «بررسی مصالح بافت و رنگ در طراحی فضاهای توقف و استراحت در دوره معماری و شهرسازی مدرن ایران» در مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. سال سوم. ج ۳. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- نجمی، ناصر (۱۳۸۴). تهران قدیم. تهران: جانزاده.
- نوربخش، مسعود (۱۳۸۱). تهران به روایت تاریخ (تهران در نیم‌قرن سلطنت ناصرالدین‌شاه). ج ۲. تهران: علم.
- ویلیامز، جکسن، ابراهم (۱۳۵۲). سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال). ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.